

# درستایش سایه‌ها

نگاهی دیگر به زیبایی‌شناسی ژاپنی

جونچیرو تانیزاکی

ترجمه علیرضا شلویری

www.ketab.ir

درستایش سایه‌ها - جونیپرو تانیزاکی - ترجمه علیرضا شلویری

ویرایش مونا سیف - لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه پرداز اندیشه - چاپ اول ۱۳۹۸

شمارگان -  - تهران - نشر مشکی ۷۷۶۸۰۰۹۸

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. هر با تولید همه یا بخشی از کتاب به هر صورت (انتشار الکترونیکی، چاپ،

فتوکی، تصویر، صوت) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

[www.meshkipublication.com](http://www.meshkipublication.com)

[info@meshkipublication.com](mailto:info@meshkipublication.com)

  @meshkipublication

## فهرست

### پیشگفتار ۹

### کنگوکوما

- ۱۵ خانه‌ای به سبک اصیل ژاپنی
- ۱۹ زیبایی‌شناسی مستراح
- ۲۴ مسیری دیگر
- ۲۷ خیال‌بافی‌های یک رمان‌نویس
- ۲۹ جلای کهنگی
- ۳۳ ریسناپ شمع و اشیای لاک‌پوش
- ۳۸ کاسه سوپ
- ۴۰ یز سابه‌ها
- ۴۵ سوت مرمه
- ۴۸ طلادرریکی
- ۵۵ سایه‌های صحنه تئاتر
- ۵۸ زیبایی زن‌های قدیم
- ۶۲ زیبایی در تاریکی
- ۶۶ جهان سایه‌ها

۶۹ نسیمی خنک در تاریکی

۷۵ آخرین گلایه‌ها

۸۳ پسگفتار

علیرضا شلویری

۹۱ یادداشت‌ها

۹۸ دو بهای ریزی‌های چین

۹۹ راهنمای تفسیر

۱۰۳ نام‌نامه گزیده

## پیشگفتار

کنگو کوما<sup>۱</sup>

کشفی که امروزه تونیچیرو تانیزاکی نویسنده‌ای است کاملاً امروزی. اغلب ما را با این‌ها از غول ادبی کیمونوپوشی تصور می‌کنیم که جوهر فرهنگ ژاپنی را شرح می‌دهد. در عین حال که نویسندگان دیگری مثل کاواباتا یاسوناری و یودیو میسایما را می‌ستاییم، برداشت ما از تانیزاکی نویسنده‌ای است که ابعاد شخصیتش از حد و حدود جهان ما به مراتب فراتر است؛ یکی از چهره‌ها- انسان گذشته که در جهان دیگری می‌زیست و قدردان ژرف‌ترین وجوه آن فضا فرهنگی بود. من هم او را همین‌طور تصور می‌کردم.

اما حالا که دارم درستایش سایه‌ها را دوباره می‌خوانم، رمدرن بودن کارش حیرت می‌کنم. از نظر تانیزاکی، انسان‌ها فقط موجوداتی زنده‌اند و بس. و شگفت آن که این نظریه واقع‌گرایانه و سرد- که بسیار کهنه و در عین حال فوق‌العاده امروزی است- همان چیزی است که تانیزاکی می‌خواهد با خوانندگان در میان بگذارد. این موجودات

زنده که ناگزیر بودند در برابر سختی‌های طبیعت سرپناهی بجویند، مکان‌هایی را برگزیدند که در برابر باد و باران و نور مستقیم خورشید مأمنی مناسب برایشان باشد. آن‌ها سایه‌ها را برگزیدند، و درستایش سایه‌ها، در نهایت، داستان سرنوشت آن‌هاست.

بچ، که به‌دم، نزدیک بستر رودخانه بازی می‌کردم؛ سنگ‌ها را بلند می‌کردم تا حشرات عجیب و غریبی را که زیر آن‌ها در تاریکی پنهان شده بودند غافلگیر کنم. ما انسان‌ها هم، از حیث ترجیح دادن حریم امن سایه‌ها، با آن حشرات، فرقی نداریم. موجودات زنده‌ای که آن‌ها را ژاپنی می‌نامیم، این خُلقِ بدوی را در طول سالیان دراز حفظ کردند، آن‌ها را پیوسته پالود و پراخه‌ر تا در معماری زادبوم‌شان به اوج خود رسید: ترکیب ساختاریِ رِنا‌های کُشت، و اتاق‌های مفروش با تاتامی؛ سازوکاری برای ایجاد سایه‌های از آن خودمان. به بیان ساده‌تر، آنچه به آن کیفیت ناب در معماری می‌گویند فقط نوعی بیان منطقی طبیعت خودمان است.

درستایش سایه‌ها بیش از آن‌که مقاله‌ای ادبی باشد، مستند درباره معماری است؛ اما، فراتر از آن، رساله‌ای علمی است درباره زیست‌سازگاری گونه‌ای خاص از موجودات زنده.

پس از زلزله و سونامی ویرانگری که در یازدهم مارس ۲۰۱۱ در سواحل شرقی ژاپن رخ داد، شروع کردم به طور جدی به نسبت میان موجودات زنده و جهان سایه‌ها بیندیشم. این که خودت چنین

فاجعه‌ای را تجربه کنی، به تو می‌آموزد که انسان‌ها، در برابر قدرت غالب طبیعت، با آن حشراتی که لای سنگ‌های بستر خشک رودخانه پنهان می‌شوند، هیچ فرقی ندارند. در هر دوره‌ای چنین فجایی ما را وادارند با این حقیقت مواجه شویم که موجوداتی کوچک و ضعیف بیسترنیستیم. تانیزاکی هم این را دریافته بود. درستایش سایه‌ها را در سال‌های پس از فاجعه بی‌مانند دوران‌ش نوشت<sup>۲</sup>: زلزله سال ۱۹۲۳ تکیو که من گویند جان بیش از صد و چهل هزار انسان را گرفت.

من هم در پی وژه‌ای که پس از فاجعه‌ای بزرگ - تراژدی یازدهم مارس - برآمده گریسم، «سایه» را به عنوان درون‌مایه طرحم که برای استادایوم ملی توکیو، با المپیک ۲۰۲۰، برگزیده شد انتخاب کردم. معماری دوره مدرنیسم استفا‌ه از رُخ‌بام را نوعی «جنایت» می‌دانست و درستی را در «جعبه‌های سفید انتزاعی»<sup>۳</sup> می‌یافت. این طرز فکر کردن «درست» جزو لاینفک دوران ساختن شدن بود؛ دورانی که مردم فراموش کرده بودند ما انسان‌ها هم موجوداتی زنده هستیم. اما من نمی‌خواستم جعبه‌ای خشک و خالی بسازم؛ این‌ها در می‌می‌خواستند با رُخ‌بامی چنان پیش‌آمده که قادر باشد سایه‌هایی را بی‌فکند. از آن‌جا که استادایوم جدید در پارکی بنا می‌شود که در نیم بخشی از باغ میجی جینگو - یکی از بزرگترین معابد توکیو - بوده، فکر کردم این سایه‌سار وسیع می‌تواند مثل یک میانجی عمل کند، و کاری کند تا ساختمان در جنگل اطراف معبد محو شود. اگر می‌توانستم، بنا را

به کلی محو و خودم را در آن سایه سارِ وسیع پنهان می کردم.

وقتی با این ذهنیت دوباره درستایش سایه ها را خواندم، برایم روشن شد چرا تانیزاکی خواسته است به موضوعی بپردازد که برخی ممکن است آن را، در نگاه اول، در ضدیت با فرهنگ ناب ژاپنی بدانند: **ستراج**؛ موضوع بسیاری از شوخی های قبیح. فهمیدم تانیزاکی ویژگی های تنانی مردم سرزمینش و تعلق آن ها به جهان سایه ها را به درستی شناخته و خواسته است چیزی فراتر از یک پژوهش فرهنگی به خوانندگانش ارائه کند. او خواسته رساله ای زیست بومی و کاربردی ارائه دهد دربارهٔ عمده های طبیعی موجود زنده ای به نام انسان — و چه چیزی طبیعی تر از دفع فضولات بدن؟

همین توجه جسورانه به واقعیت های هستی است که تانیزاکی را به سنت های خودش و ما را به سوی او می کشاند. به دلیل همین حساسیت های امروزی و شوخ طبعی ظریف اوست که دوباره درستایش سایه ها را با تمام وجود ستایش می کنم.